



آقای معلم در اولین روز مدرسه، صف اول، نفر دهم از راست، سال ۱۳۴۴



از اول، کلاس اول

گفت‌وگو با عباس عسگری، معلم کلاس اول

بهترین و ماندگارترین خاطرات ما آن‌هایی هستند که به دوران کودکی مربوط‌اند. خاطرات مدرسه هم از ماندگارترین خاطرات کودکی هستند؛ به خصوص خاطره‌ی سال اول مدرسه. یکی از کسانی که می‌تواند خاطره‌ی خوبی از مدرسه در ذهن ما ایجاد کند، معلم کلاس اول است. با معلمی آشنا شده‌ایم که هم خودش خوب کودکی کرده و هم در آموزش کودکی کردن به شاگردانش می‌کوشد. او نه کودکی مدرسه‌اش را فراموش کرده است و نه کودکان مدرسه را. عشق او به کودکی، دریافت ایشان از اهمیت دوران کودکی و مدرسه از زبان خودش شنیدنی است. عباس عسگری معلم کلاس اول شهرستان ساوه است.

چرا فقط کلاس اول؟

فقط عشق. کلاس اول پر از عشقی است که در هیچ کجا نمی‌توان آن را پیدا کرد! در کلاس‌های تربیت معلم به ما می‌گفتند برای معلمی باید عاشق باشید. اگر دنبال درآمد خوب هستید، این شغل برای شما مناسب نیست. وقتی معلم پایه‌ی اول ابتدایی شدم، معصومیت و صداقت بچه‌ها چنان مرا شاداب کرد که دیگر هرگز این پایه را رها نکردم. بچه‌های سال اول هیچ چیز نمی‌دانند و در عین حال گویی همه چیز می‌دانند. آن‌ها با پاکی کودکانه‌شان به من درس زندگی می‌دهند.



عکس از اولین سال خدمت آقای عسگری سال ۶۰-۶۱

اصول معلمی شما چیست؟

- از شناختن تک تک بچه‌ها شروع می‌کنم. سپس با آن‌ها دوست می‌شوم و در نهایت تدریس می‌کنم.
- با شوخ‌طبعی و طنزپردازی کلاس را برای درس آماده می‌کنم.
- روش برخورد با هر دانش‌آموز مختص خود اوست. یادم می‌آید، دانش‌آموز بیش‌فعالی داشتم که خودم کنارش می‌نشستم تا کارهایش را انجام دهد.
- جمله‌ی دوست‌داشتنی و پرکاربرد من خطاب به بچه‌ها این است: «دوستتان دارم».
- برای به روز بودن در تدریس به‌طور دائم مطالعه می‌کنم و در کلاس‌های ارتقای مهارت معلمی، به‌ویژه مهارت‌های

چطور از معلمی سر در آوردید؟

هم به معلمی علاقه داشتم و هم خیلی دوست داشتم به دانشگاه بروم. اوایل انقلاب امکانات کم بود و کلاس‌های تست و کنکور مثل امروز نبود. مجبور شدم به سربازی بروم. وقتی خدمتم تمام شد، در آزمون تربیت معلم شرکت کردم. انتخاب اولم آموزش دبیری، انتخاب دوم تربیت بدنی و انتخاب سومم آموزش ابتدایی بود که در انتخاب سوم قبول شدم. دو سال برای کارآموزی به اراک رفتم و در نهایت معلم ابتدایی یکی از شهرهای استان مرکزی به نام ساوه شدم. آموزش‌وپرورش برای من همیشه جایی مقدس بوده و الان ۳۰ سال است که معلم پایه‌ی اول ابتدایی هستم.

تصویر و خاطره‌ی شما از دوران ابتدایی خودتان

روز اول مدرسه به همراه برادر کوچک‌ترم به مدرسه رفتیم و او تا آخر وقت پیش من ماند. معلم کلاس اولم را به خاطر می‌آورم. آقای رضائی (مرحوم) که در کلاس سوم هم دوباره معلم ما شد. خاطره‌ای هم از کلاس دوم دارم. معلم روی صندلی نشسته بود که ناگهان صندلی شکست و معلم نقش بر زمین شد. ما خنده‌مان گرفت. اما وقتی دیدیم کمر معلممان درد گرفت، دلمان به حالش سوخت و کمکش کردیم. از آن به بعد حواسم هست روی صندلی نامطمئن ننشینم.



آقای معلم در پایه‌ی پنجم ابتدایی، نشسته از راست نفر پنجم، سال ۱۳۶۹



- نوآورانه، مثل برگزاری کلاس‌های هوشمند، شرکت می‌کنم.
- هر روز از خانه تا مدرسه را پیاده می‌روم تا با نشاط وارد کلاس شوم و همیشه ۱۰ دقیقه زودتر از بچه‌ها در کلاس حاضریم.
- در پایان روز، موقع خداحافظی، با بچه‌ها دست می‌دهم و اگر دانش‌آموزی ناراحت باشد از او دلجویی می‌کنم.

همکاران، همراهان و اولیای دانش‌آموزان شما

- از همه‌ی مدیران و معاونانی که با آن‌ها کار کردم تشکر می‌کنم؛ بابت همکاری‌هایشان با من.
- از تجربه‌های همسر و خواهرم که ایشان هم معلم هستند، استفاده می‌کنم.
- اولیا نیز با من همکاری لازم را می‌کنند؛ در ابتدای سال برای اولیا یادداشتی می‌فرستم که درباره‌ی تغذیه‌ی میان‌روز بچه‌ها پیشنهادهایی دارد. آن‌ها بسیار استقبال می‌کنند.
- از تجربه‌ها و روش‌های خوب معلمان دیگر در کلاس خودم استفاده می‌کنم.
- چون در تمام سال‌های خدمت‌م از معلم‌هایی که طرح‌های خوبی داشتند تجربه کسب کرده‌ام، قطعاً تجربه‌هایم را در اختیار معلمان جدید می‌گذارم.

جو کلاس شما چگونه است؟

فضای کلاس من پر از شادابی و طنز است. با بچه‌ها به موقع شوخی می‌کنم. قبل از شروع درس برای دانش‌آموزانم داستانی تعریف می‌کنم و با داستان به آن‌ها درس زندگی





گفت‌وگو تمام شده است و من به صحبت‌های پایانی آقا معلم فکر می‌کنم. معلم عاشقی که این قدر با بچه‌ها دوستی می‌کند، برای بچه‌ها دوست‌داشتنی هم می‌شود. یادم آمد تاریخ تولد آقا معلم را بپرسم. با لبخند می‌گوید، من متولد ۱۳۳۸/۴/۳ هستم و امروز روز تولد بنده است. زمان گفت‌وگوی مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی با روز تولد جناب آقای عسگری یکی شده است. تولدتان مبارک آقا معلم عاشق! برای این معلم دلسوز و مهربان آرزوی سلامتی و شادی می‌کنیم.

می‌آموزم. بچه‌ها مهارت‌هایی را که یاد می‌گیرند در خانه تمرین می‌کنند. برای مثال، جوراب‌هایشان را خودشان می‌شویند و اولیا به این خاطر از من تشکر می‌کنند.

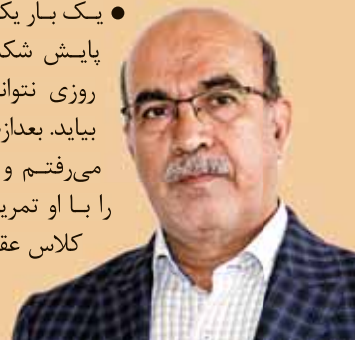
نمونه‌هایی از فعالیت‌های آقای عسگری

- هر بار یک نوع غذای سالم در خانه درست می‌کند و برای بچه‌ها می‌آورد.
- حروف الفبا را با شعر به بچه‌ها آموزش می‌دهد.
- در تدریس فارسی و ریاضی از روش تلفیق استفاده می‌کند.
- در مدرسه‌هایی که امکانات کم است، با هزینه‌ی خود، وسایل مورد نیاز آزمایش‌های علوم را می‌خرد و به کلاس می‌برد.

خاطره

۶ سه سال پیش دانش‌آموزی داشتم که اواخر آبان‌ماه به کلاس من آمد. به دلیل رفتار ناصحیح معلم قبلی، اضطراب داشت و حرف نمی‌زد. او را کنار یک دانش‌آموز قوی نشاندم و از او خواستم کمکش کند. چون از معلم قبلی ترس داشت، به او بیشتر توجه می‌کردم. خارج از ساعت کلاس، با او فوق‌العاده کار می‌کردم تا به بچه‌ها برسد. بعد از مدتی مشکل خواندن و نوشتنش حل شد. دیگر وقتی از او می‌خواستم پای تخته شعر بخواند و فارسی را با صدای بلند بخواند، این کار را با رضایت و شوق انجام می‌داد. بعضی کارهای جانبی کلاس را هم به او واگذار می‌کردم تا مشکل کم‌روبی‌اش حل شود.

- یک بار یکی از دانش‌آموزانم پایش شکسته بود و چند روزی نتوانست به مدرسه بیاید. بعد از ظهرها به خانه‌شان می‌رفتم و درس‌های آن روز را با او تمرین می‌کردم تا از کلاس عقب نیفتد.



آقای عسگری در یک نگاه

- ۶ معلم نمونه‌ی استانی در تعدادی از سال‌های خدمت
- ۶ سرگروه آموزشی در ساوه و روستاهای اطراف (۱۰ سال)
- ۶ تدریس در مدرسه‌های خارج از کشور (پاکستان، ۲ سال)
- ۶ معاون دبیرستان (۵ سال)